

# **The Review of the Theory of Fiduciary Duties And Comparative Study in Iranian law**

## *Abstract*

Fiduciary duties in common law serve as a legal framework governing relationships based on trust and reliance. In addition to imposing high standards of care and protection on fiduciaries, these duties require them to act in the interests of their beneficiaries and to ensure the principle of loyalty in various aspects of this relationship. Although fiduciary principles in common law jurisprudence generally referenced as the first English law was about three hundred years ago, but the historical concepts of fiduciary duties origins even older and has roots in ancient Roman law and Old Testament; therefore, does not seem to be a new concept. Despite the extensive application of the principles of fiduciary duties by judges and lawyers, there has been no correct and comprehensive explanation of the concept of fiduciary duties. The fiduciary duties theory, emphasizing honesty, loyalty, and the protection of beneficiaries' interests, provides a framework for identifying and assessing trust-based relationships. This theory plays a significant role in regulating relationships such as those between lawyers and clients or directors and shareholders, particularly in common law legal systems. In Canadian law, the power and discretion test, alongside the undertaking test, serves as a basis for recognizing fiduciary relationships. By establishing clear standards, this theory enhances transparency regarding the scope of responsibilities and obligations in fiduciary relationships. It also prevents conflicts of interest and facilitates more effective oversight of fiduciaries' conduct. Notwithstanding, fiduciary duties are not explicitly mentioned in Iranian jurisprudence, their manifestations in various forms, such as regarding interest of client's for trustee, and the obligation to inform the broker in the event that he is a participant or beneficiary in the transaction, reinforce the view that Iranian law is not so outsider (or odd) into the concept of fiduciaries. The present study aims to introduce fiduciary relationships and duties, introduces the basic elements of a fiduciary relationship, while providing approaches to justify the

nature of these relationships, will examine the scope of fiduciaries' duties.

**Keywords:** *Trusty, Fiduciaries, Fiduciary ralationships, Fiduciary duties, Undertaking test, 'Power and discretion' test.*

## مروری بر نظریه‌ی وظایف امانتدارانه در نظام حقوقی کامن‌لا

### و مطالعه تطبیقی در حقوق ایران

#### چکیده

وظایف مبتنی بر امانت در کامن‌لا چارچوب قانونی روابطی است که بر مبنای اعتماد و اتکاء ایجاد می‌شود. این وظایف معمولاً از سه جهت ظاهر می‌شوند. اولاً، رعایت معیارهای بالاتری از مراقبت و احتیاط را از امانتدار ایجاب می‌کند. ثانیاً، امانت‌دار را ملزم می‌کند منافع ذینفعان را در اولویت اول قرار دهد. ثالثاً، رعایت وفاداری و صداقت از سوی امانت‌دار طلب می‌شود. با اینکه این تئوری قدمتی به درازای حقوق رم باستان و ادیان الهی دارد ولی تاریخ‌شناسایی این تئوری حداکثر به سیصد سال قبل بر می‌گردد. در کامن‌لا این تئوری از طرف قضات و حقوقدانان به کرات مورد استفاده قرار گرفته ولی این مفهوم به اندازه اهمیت خود مورد تبیین صحیح و جامع قرار نگرفته است. این تحقیق در نظر دارد به روش توصیفی، و تطبیقی ارکان اساسی رابطه امانتدارانه را معرفی کرده و ضمن ارائه مبانی توجیهی این وظایف، ماهیت روابط و گستره وظایف امانتداران را به محک بحث و بررسی بگذارد. به اجمال می‌توان گفت رابطه امانتدارانه نوعی واگذاری دارایی و تفویض اختیارات از جانب اصیل به امانتدار است که احتمال آسیب‌پذیری اصیل را دارد و ماهیت آن بر مختصات ذاتی روابط امانتدارانه و اهمیت هنجاری آن در چارچوب‌های قانونی متمرکز است. نظریه وظایف امانتدارانه، با تکیه بر اعتماد، قدرت و اختیار در روابط حقوقی، چارچوبی برای شناسایی و ارزیابی تعهدات اشخاص در روابط مبتنی بر امانت‌داری ارائه می‌دهد و با معیارهایی همچون آزمون تعهد و آزمون قدرت و اختیار، می‌تواند مبنای مناسبی برای توسعه حقوق امانتدارانه در نظام حقوقی ایران فراهم سازد. در فقه و حقوق ایران این تئوری به صراحت مورد توجه قرار نگرفته است لیکن جلوه‌هایی از آن را می‌توان در عناوینی چون عقود امانی، رعایت غبطه موکل، تکلیف اطلاع‌رسانی دلالت در فرضی که در معامله سهیم و یا ذینفع می‌باشد و موارد دیگر مشاهده کرد.

**کلیدواژه‌ها:** امین، رابطه‌ی امانتدارانه، وظایف امانتدارانه، آزمون تعهد، آزمون قدرت - اختیار.

## مقدمه

سابقه حقوق امانتداران در حقوق انگلستان به حدود سیصد سال پیش بازمی‌گردد (Rotman, 2005: 61) و ریشه‌های فلسفی و نظری آن به سالهای خیلی دورتر، یعنی تفکرات یونان باستان می‌رسد و حتی آثاری از آن در عهد عتیق نیز کشف شده است (Vinter, 1955: 14). گزارشات و ارجاعات پژوهشگران حقوقی و حقوقدانان، سرشار از مواردی است که در سطوح مختلف از اصول امانتدارانه بحث می‌کنند. تعداد مقالاتی که از دهه ۱۹۵۰ میلادی به بعد منتشر شده است، نشان می‌دهد نویسندگان زیادی در مورد مفهوم امانتداری و امانتدارانه تفاسیر و نظرات مختلفی را به رشته تحریر درآورده‌اند که بخش عمده‌ی آنها در فضای رویه قضائی و مسائل مستمر مربوط به پرونده‌های مختلف و مصادیق بارز روابط امانتدارانه، شکل گرفته است (Rotman, 2017: 977). در چند دهه اخیر، اصول حقوق امانتدارانه محبوبیت چشمگیری یافته و در مستندات آرای قضائی دادگاه‌های کامن لا به وفور مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ با این حال، عدم توجه به پیامدهای گسترده اعمال اصول امانتدارانه، منجر به ایجاد رویه قضائی مشوش و متناقض شده و در نتیجه کارائی و کارآمدی حقوق امانتدارانه در رسیدگی به دعاوی مدنی، قراردادی، شبه‌جرم و دعاوی دیگر را کاهش می‌دهد (Rotman, 2011: 922). برخی از پژوهشگران بر این نظر هستند که هرگونه ابهام یا اجمال مرتبط با حقوق امانتداران، ناشی از عدم وجود قطعیت در تبیین و تعریف ماهوی امانتداران نیست؛ بلکه ناشی از ناتوانی در شناخت عناصر اساسی (ارکان اصلی) حقوق امانتدارانه می‌باشد (Rotman, 2011: 923)؛ عناصر و ارکانی که به ندرت می‌توان در آرای محاکم، تفسیر قضائی برای آنها یافت. از این رو ضرورت دارد نخست، این عناصر بنیادین مورد ارزیابی قرار گیرد تا چارچوب مفهومی و مختصات موضوع تبیین شود. دوم، با تطبیق موارد با حقوق ایران، نقش و جایگاه حقوق امانتداری مورد مطالعه قرار گیرد.

در همین راستا این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی در پنج بند تنظیم شده است. در بند نخست، سابقه تاریخی وظایف امانتداران بررسی می‌شود. در بند دوم، ماهیت رابطه امانتدارانه و رویکردهای موجود ارائه می‌شود. بند سوم به بررسی عناصر و ارکان مشترک موجود در روابط امانتدارانه اختصاص یافته است. در بند چهارم که مهمترین بخش پژوهش است، کیستی امین و امانتدار مورد ارزیابی قرار می‌گیرد تا بتوان رعایت وظایف امانتدارانه بر

چنین شخصی را توجیه نمود. در نهایت گستره و حدود مسئولیت و وظایف امانتدارانه بررسی شده و نتیجه پژوهش ارائه می‌گردد.

## ۱- سابقه تاریخی

اعتماد به دیگران بخش جدایی ناپذیر حیات انسان است. انسان از همان اوان تولد، برای بقا ناگزیر به تکیه بر دیگران است. این وابستگی تنها محدود به دوره نوزادی نیست؛ انسان‌ها برای تأمین و رفع نیازهای خود همواره محتاج تعامل و اعتماد متقابل هستند. این اعتماد، زیربنای توسعه جوامع نیز به شمار می‌رود. منشأ این اعتماد صرفاً تمایلات درونی انسان نیست، بلکه پژوهش‌ها نشان می‌دهد هورمون‌های خاصی در بدن در ایجاد حس اعتماد نقش دارند (Kosfeld et al, 2005).

پیشینه روابط مبتنی بر اعتماد به دوران باستان بازمی‌گردد. در بین‌النهرین - که تجارت در آن بسیار رواج داشت - تجار سرمایه خود را به اشخاصی به نام «سَمالوم» می‌سپردند تا برایشان تجارت سودآوری انجام دهند. در قانون حمورابی (حدود ۱۷۰۰ پیش از میلاد) که به‌عنوان نخستین مجموعه قوانین مدون شناخته می‌شود (Horne, 2015)، وظایف سنگینی بر عهده سَمالوم (نماینده) گذاشته شده بود. بر اساس این قانون، سَمالوم در صورت تقصیر، موظف به بازپرداخت حداقل دوبرابر سرمایه اولیه به تاجر (اصیل) بود (VerSteeg, 1999, p. 183). اما در صورت از بین رفتن سرمایه بدون تقصیر، تنها مکلف به بازگرداندن اصل سرمایه بود.

پایه‌های اولیه‌ی وظایف امانتداری را می‌توان در حقوق روم پیدا کرد؛ جایی که اصول اعتماد و تعهد برقرار شد. همچنین، تفکرات فلسفی یونان باستان با توجه به ضرورت روابط اعتماد محور و البته مسئولیت اخلاقی، زمینه ساز درک ضرورت مفهوم اعتماد شده است (Rotman, 2005: 171; Vinter, 1955; Johnston, 1988). نظریه امانت در حقوق انگلیس ریشه در سنت‌ها و عرف‌های رایج حقوقی عادلانه و انصاف دارد که در طول قرن‌ها تکامل یافته است. در دوران اولیه‌ی حقوق کامن‌لا یعنی اواسط هزاره اول میلادی، امانتداری، مفهومی ناشناخته بود و به دلیل سخت‌گیری در اجرای قوانین خشک، ظرفیت‌های روابط مبتنی بر اعتماد مغفول مانده بود (Seipp, 2011: 1011). با این حال، با تکامل نیازهای

اجتماعی، ظهور اسلام و آشنایی با حقوق روم، چارچوب‌های قانونی جهت شناسایی این روابط تغییر کرد و ظهور دادگاه‌های انصاف که بر اعتماد و انصاف متمرکز بودند، زمینه‌ساز توسعه‌ی روابط امانتداری در قرن دوازدهم میلادی گردید (Ibid, 1012). با این حال، نخستین اشاره رسمی به رابطه‌ی امانتداری به پرونده کیچ علیه استنفورد<sup>۱</sup> در سال ۱۷۲۶ بر می‌گردد (Rotman, 2005: 977).

قرآن کریم در آیات متعددی به موضوع امانت پرداخته است؛ از جمله در آیه ۵۸ سوره نساء که خداوند بازگرداندن امانت‌ها به صاحبانشان را فرمان داده است. جایگاه امین در اسلام، در حدیث نبوی «لیس الامین الا الیمین» و قاعده استیمان نیز نمود یافته است. به همین دلیل، در فقه اسلامی رابطه مبتنی بر اعتماد، چه در قالب روابط قراردادی (مانند عقود امانی و إذنی، به خصوص نهادهای ودیعه، عاریه و وکالت) و چه در روابط غیرقراردادی (مانند ولایت و قیمومت)، همواره مورد توجه قرار گرفته است.

## ۲- ماهیت رابطه امانتداری

درک دقیق مفاهیم حقوقی، مستلزم شناخت مبانی تاریخی و نظری آنهاست؛ چرا که اغلب شکافی عمیق میان برداشتهای رایج از این مفاهیم و خاستگاه واقعی‌شان وجود دارد. بدون توجه به دلایل شکل‌گیری یک نهاد حقوقی، درک ارتباط بین مفاهیم و منطق زیربنایی آن با ابهام مواجه می‌شود. این ابهام نه تنها فهم را دشوار می‌سازد، بلکه زمینه‌ساز سوءاستفاده و دستکاری در مفهوم نیز می‌گردد. در این بخش، مفهوم و ماهیت رابطه امانی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۲-۱. مفهوم رابطه امانتداری

---

<sup>۱</sup> [1726] EWHC Ch J76, Sel Ca t King 61, 25 ER 223 (Ch)

مقررات بیانیه حقوقی آمریکایی<sup>۱</sup>، مقررات و اساسنامه‌های متحدالشکل آمریکا<sup>۲</sup>، قانون متحدالشکل تراست<sup>۳</sup>، مصادیقی از روابط امانی هستند ولی با این حال در هیچ یک از مقررات مذکور تعریفی از رابطه امانی ارائه نشده است (Ibid, 2). در عمل نیز دادگاه‌ها با تمرکز بر مستندات پرونده، فقط به شناسایی و طبقه‌بندی ارکان و عناصر رابطه امانتدارانه مبادرت ورزیده‌اند؛ و کمتر رأیی را می‌توان یافت که در آن تعریف جامع و مانعی از این روابط ارائه شده باشد (Frankel, 2011:2). در پرونده لیندن پلیس علیه بانک استنلی<sup>۴</sup> بیان شد: «رابطه امانی و مبتنی بر اعتماد، نسبت به شخصی محقق می‌شود که موظف است با حسن نیت و با لحاظ انصاف و وجدان در چارچوب منافع شخص اعتماد کننده عمل کند». همچنین دادگاه استیناف کانزاس در پرونده‌ی بانک ایالتی دنیسون علیه مادرا<sup>۵</sup> اظهار داشت: «تصور رابطه امانی مستلزم برتری یکی از طرفین بر دیگری است به طوری که در آن مال، منفعت یا اختیار شخص به امانتدار (امین) واگذار می‌شود». به نظر می‌رسد یکی از دلایل نبود تعریف واحد و کلی از روابط امانی، تنوع موقعیت‌ها و زمینه‌هایی است که این روابط در آن‌ها ظاهر می‌شوند (Frankel, 2011:2). حقوقدانی با مذاقه در قانون انگلستان و تطبیق آن با حقوق آمریکا، تعهد امانتدارانه را در چند جمله ساده خلاصه کرد: «تعهد امانتدارانه، الزامی است قانونی که امانتدار باید منحصراً منافع ذینفع را تامین نماید و از هرگونه منفعت شخصی یا منافی که ممکن است او را تحت تأثیر قرار دهد، اجتناب نماید. امکان دارد این تعهدات در زمینه‌های مختلف دارای شدت و حدت متفاوتی باشد. معمولاً امانتدار رابطه مستمری با ذی‌نفع دارد و بر اساس مفاد قرارداد یا توافق، از برخی امتیازات محروم می‌شود و در مقابل اختیاراتی قوی برای تغییر وضعیت حقوقی و اثرگذاری بر منافع ذی‌نفع را دارد که نظارت ذینفع نسبت به اقدامات امانتدار را تا حدودی دشوار می‌سازد؛ از این رو راهکارهای جبرانی قوی و مناسبی

---

<sup>۱</sup> Restatements of the Law (ALI)

<sup>۲</sup> Uniform Codes and Statutes

<sup>۳</sup> Uniform Trust Code

<sup>۴</sup> Linden Place v. Stanley Bank, 167 P.3d 374, 375 (Kan. Ct. App. 2007)

<sup>۵</sup> Denison State Bank v. Madera, 640 P.2d 1235, 1241 (Kan. 1982)

برای بازگرداندن تعادل به ذی نفع در این گونه روابط پیش‌بینی می‌شود» (Getzler, 2002: 41).

در آثار فقهی برخی بر این باورند که مقصود از «امین» شخصی است که واقعاً و عرفاً امین تلقی شود و در اعطای مال به او و مراقبت از مال، مورد اعتماد باشد (بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۲: ۱۳)؛ چنانکه پیامبر اکرم (ص) پیش از بعثت، به «محمد امین» شهرت داشت و او را امین خطاب می‌کردند. در مقابل، برخی امین را کسی می‌دانند که صرفاً نزد صاحب مال مورد اطمینان باشد و نزد او مؤتمن محسوب گردد (فاضل، ۱۴۱۶: ۳۱)؛ و شخصی که امین قرار داده می‌شود چه از جانب مالک باشد یا شارع، چنانچه در نگهداری مال تحت تصرفش تعدی یا تفریط نکند و مال تلف شود ضامن نیست.

## ۲-۲. ماهیت روابط امانتدارانه

با این که مسئولیت‌های امانتدارانه، ناشی از نقض وظایفی است که از روابط امانتدارانه ایجاد می‌شود (Miller, 2011: 240)، دادگاه‌ها در شناسایی روابط امانتدارانه در سه جنبه‌ی اساسی ماهیت، شکل‌گیری و نیز ویژگی‌های ساختاری این روابط، رویکرد منسجمی ندارند (Miller, 2011, 240). در حقیقت، مفاهیم و نهادهای حقوقی بسیاری وجود دارد که به دفعات مورد استناد قرار می‌گیرند اما از لحاظ تبیین مفهومی، کمتر به آنها پرداخته شده است.<sup>۱</sup> رابطه امانتدارانه، یکی از این مفاهیم به شمار می‌آید.

دادگاه‌ها در شناسایی روابط امانتدارانه، دو رویکرد را در پیش گرفته‌اند. نخست، رویکرد مبتنی بر وضعیت، بدین معنی که دسته‌های جدید روابط به دلیل شباهتی که با وضعیت‌های تثبیت شده امانتدارانه دارند به عنوان وضعیت امانتدارانه در نظر گرفته می‌شود. رویکرد دیگر، مبتنی بر واقعیت بوده که در آن شخص بر اساس روابط فردی و به دلیل دارا بودن نشانه‌های خاصی از روابط امانتدارانه که بر اساس واقعیات همان رابطه خاص به دست می‌آید، به عنوان امانت‌دار شناخته می‌شود (Miller, 2011, 241).

---

<sup>1</sup> *Lac Minerals Ltd v International Corona Resources Ltd*, [1989]

## ۲-۲-۱. رویکرد روابط امانتدارانه مبتنی بر وضعیت

رویکرد مبتنی بر وضعیت، بر استدلال قیاسی استوار است که قدیمی‌ترین و رایج‌ترین روش شناسایی روابط امانتداری می‌باشد. در این رویکرد دادگاه در مواجهه با یک رابطه‌ی معین، ابتدا آن را در دسته ارتباطی مشخص (به عنوان مثال امین و ذینفع، وکیل و موکل یا داین و مدیون) در نظر می‌گیرد؛ سپس امکان شناسایی عرفی و سنتی دسته ارتباط مزبور به عنوان امانتدار را مورد ارزیابی قرار می‌دهد؛ اگر پاسخ مثبت باشد، رابطه را امانتدارانه تلقی خواهد نمود؛ در غیر این صورت، دادگاه حدود تشابه رابطه با دسته‌های مرتبط مشابه دیگر را بررسی خواهد نمود. اگر در بررسی مشابهتی در حد متعارف وجود داشته باشد، رابطه امانتدارانه تلقی خواهد شد. در بررسی‌ها مشاهده شد که از آنجایی که دادگاه‌ها، نگران گسترش بی‌رویه دامنه‌ی مسئولیت‌ها هستند، تمایل چندانی به شناسایی روابط جدید امانتدارانه ندارند (Sealy, 1962: 71; Miller, 2011: 241).

رویکرد مبتنی بر وضعیت، مختصات رابطه امانتدارانه را بیان نمی‌کند. در واقع، این رویکرد توسط مقامات و دادگاه‌هایی از انگلستان شکل گرفته که در آن ویژگی رابطه برای تعیین مسئولیت امانتدارانه، بی‌اهمیت تلقی شده است؛ چرا که قرن‌ها رویه بدین صورت بود که هر رابطه‌ی حقوقی با رابطه امین و ذی‌نفع مقایسه می‌شد و در صورت وجود شباهت کافی به عنوان رابطه امانتدارانه تلقی می‌گردید (Sealy, 1962: 70). سپس دادگاه‌ها از رابطه‌ی «شبه‌تراست»<sup>۱</sup> صحبت به میان آوردند و اظهار داشتند این رابطه از برخی جهات مرتبط با امانت است؛ اما تلاشی در خصوص بیان و تبیین نوع کلی و حقوقی که مشمول این گونه‌های خاص (تراست و شبه‌تراست) قرار می‌گیرند، صورت نگرفت (Sealy, 1962: 71).

## ۲-۲-۲. رویکرد روابط امانتدارانه مبتنی بر واقعیت

تعیین ماهیت رابطه در این رویکرد، بر اساس حقایق و شواهد هر پرونده است (Scholz, 146: 2020)؛ دادگاه‌ها حقایق و شواهد منحصر به هر پرونده را به منظور شناسایی و یافتن رابطه امانتدارانه مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند که این امر شامل بررسی مواردی

---

<sup>1</sup> Quasi Trust.

چون ماهیت رابطه، سطح اعتماد طرفین و حدود اختیارات اعطایی یک طرف به دیگری می‌شود (Scholz, 2020: 146). ممکن است رابطه‌ای به دلیل دارا بودن ویژگی‌ها یا نشانه‌های خاصی به عنوان رابطه امانت‌دارانه شناخته شود. مهمترین چالش دادگاه‌ها در این رویکرد شناسایی شاخصه‌های رابطه امانت‌دارانه است. قاضی ویلسون در پرونده فریم فایت<sup>۱</sup>، در این زمینه بیان داشت:

«در روابط مبتنی بر امانت چند شاخصه‌ی مشترک وجود دارد که در تشخیص این نوع روابط حائز اهمیت است که عبارتند از: نخست، امانت‌دار برای اعمال اختیار و صلاحیت خود، مختار یا ماذون است. دوم، امانت‌دار می‌تواند به صورت یک‌جانبه و به تنهایی از این اختیار در راستای اثرگذاری بر منافع قانونی یا عملی ذی‌نفع (امانت‌گذار) استفاده کند. در نهایت، مشخصه سوم، آسیب‌پذیری یا در معرض آسیب قرار گرفتن ذی‌نفع در برابر امانت‌داری است که قدرت و صلاحیت دارد» (Miller, 2011: 243).

دیوان عالی، موارد اشاره شده‌ی قاضی پرونده فریم فایت را تایید نمود و به دنبال اصلاح و گسترش موارد ارائه شده بود؛ اما اندکی بعد اختلاف در رویه دادگاه‌ها پدید آمد (Miller, 2011: 243). نمونه بارز این اختلاف پرونده لاک مینرالز<sup>۲</sup> بود. در این پرونده، قضات در مورد ایجاد رابطه امانت‌دارانه میان شرکت‌های معدن‌کوی در حال مذاکره برای سرمایه‌گذاری مشترک با شرکت لاک مینرالز، اختلاف نظر داشتند. شرکتی به نام کورونا، با توجه به در دست داشتن اطلاعات ارزشمند در مورد ایجاد سرمایه‌گذاری مرتبط با شرکت‌های معدنی-کاو، برای توسعه گسترش سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از اطلاعات، مذاکراتی را با لاک مینرالز آغاز نمود. اما متعاقباً لاک مینرالز، ملکی که اطلاعات محرمانه آن در مذاکره با شرکت کورونا، فاش شده بود را خرید و توسعه داد. در نتیجه شرکت لاک مینرالز به دلیل نقض قرارداد، اعتماد و امانت‌داری، مورد شکایت قرار گرفت. اکثریت اعضای دیوان در نقض اعتماد –مهم‌ترین مشخصه یک رابطه امانت‌دارانه– اتفاق نظر داشتند اما در مورد شکل‌گیری رابطه امانت‌دارانه میان سرمایه‌گذاران مشترک، کماکان اختلاف داشتند (Miller, 2011: 244).

---

<sup>۱</sup> Frame v Smith [1987] 2 SCR 99, 42 DLR (4th) 81, Wilson J. Available at <https://decisions.scc-csc.ca/scc-csc/scc-csc/en/item/237/index.do>

<sup>۲</sup> Lac Minerals Ltd v International Corona Resources Ltd, [1989] 2 SCR 574, 61 DLR (4th) 14, La Forest J [Lac Minerals cited to SCR].

قاضی لافراست، جزء اقلیت‌هایی بود که عقیده داشت در پرونده مذکور رابطه‌ی امانتدارانه- ای برقرار شده است. بدین منظور، ایشان طیفی از شاخص‌های جدید روابط امانتدارانه از جمله، نفوذ، برتری، افشای اطلاعات محرمانه، اعتماد و اطمینان را شناسایی نمود. توجیهات این حقوقدان بر انتظارات معقول طرفین از یکدیگر که توسط عرف صنعتی و حرفه‌ای تعیین می‌شود، متمرکز بود و به آسیب‌پذیری ذینفع رابطه امانتدارانه، توجه کمتری داشت. قاضی دیگری، قاضی سوپینکا<sup>1</sup>، عقیده داشت که حقایق موجود در پرونده، وجود رابطه‌ی امانتدارانه را نشان نمی‌دهد؛ موضوعی که اکثریت اعضا نیز موافق آن بودند. در نتیجه اکثریت اعضا، با تمرکز بر ویژگی وابستگی یا آسیب‌پذیری، معیارهای ارائه شده توسط قاضی لافراست را رد و موارد ارائه شده در پرونده فریم را تایید نمودند و همچنین اظهار داشتند که وابستگی یا آسیب‌پذیری از ویژگی‌های ضروری و اساسی یک رابطه امانتدارانه بوده و این آسیب‌پذیری باید ماهیتی فیزیکی یا روانی داشته باشد.

آخرین تلاش‌های قابل توجه دادگاه‌ها برای توسعه رویکرد مبتنی بر واقعیت و حقایق، در پرونده هاچکینسون و سیمز<sup>2</sup> صورت گرفت. هاچکینسون، برای برنامه‌ریزی مالیاتی و سرمایه- گذاری، از شخصی به نام سیمز، مشاور مالیاتی در امور سرمایه‌گذاری، مشورت می‌گیرد. هاچکینسون بر اساس توصیه‌های مشاور اقدام به سرمایه‌گذاری در توسعه‌ی املاک و مستغلات می‌نماید اما سیمز به عنوان مشاور، بدون اطلاع به هاچکینسون، هزینه‌ها و حق کمیسون خود از انعقاد قرارداد سرمایه‌گذاری را از توسعه دهندگان دریافت می‌کند. در ادامه، بازار املاک و مستغلات سقوط کرد و هاچکینسون سرمایه خود را از دست داد. هاچکینسون به دلیل نقض وظیفه امانتدارانه (امانتداری) از سیمز شکایت نمود و مدعی شد که اگر از منافع سیمز در انعقاد قرارداد مطلع می‌بود، در سرمایه‌گذاری شرکت نمی‌کرد و در نتیجه متحمل ضرر نمی‌گشت. در این پرونده دادگاه‌ها مجدداً دچار اختلاف شدند؛ چرا که عده‌ای از قضات بر این موضوع اصرار داشتند که آسیب‌پذیری ذی‌نفع، یک شاخصه بسیار مهم در رابطه امانتدارانه است؛ اما مشخصه اصلی و بارز رابطه امانتدارانه نمی‌باشد. به نظر این دسته از حقوقدانان، آسیب‌پذیری، معیار دقیقی در شناسایی رابطه امانتدارانه نمی‌باشد؛ چرا که این

---

<sup>1</sup> Supinka

<sup>2</sup> *Hodgkinson v Simms*, [1994] 3 SCR 377, 117 DLR (4th) 161 [*Hodgkinson* cited to SCR].

معیار به عنوان شاخصه‌ای در شناسایی روابط مبتنی بر عدل و انصاف نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین ضرورت برابری قدرت چانه‌زنی و مذاکره، مورد انکار واقع گردید و ذهنیت «وجود قرارداد نافی امکان وجود رابطه امانتدارانه میان اشخاص می‌باشد» رد شد ( Miller, 2011: 245).

گروهی دیگر از حقوقدانان که از گسترش دامنه و حدود مسئولیت‌های امانتدارانه واهمه داشتند، مخالف شناسایی روابط جدید امانتدارانه بودند و فرض وجود رابطه امانتدارانه را شدیداً انکار کردند. از نظر این گروه، صرف مشاوره دادن، به خودی خود باعث شکل‌گیری رابطه‌ی امانتدارانه نمی‌شود؛ وجه تمایز میان توصیه‌ی ساده و توصیه‌ای که باعث ایجاد رابطه امانتدارانه می‌شود، را تفویض قدرت موثر یک طرف به طرف دیگر دانستند. در نتیجه بار دیگر معیارهای ارائه شده ویلسون در پرونده فریم با تکیه بر شاخص‌هایی چون اعتماد و اطمینان و وابستگی، مورد تأیید واقع شد. این گروه از حقوقدانان در توجیه نظر خود این گونه ابراز داشتند:

«مشکل شناسایی روابط امانتدارانه، تعیین معیاری کافی و مطمئن است که ایجاد تعهد امانتدارانه را نشان دهد. اگر قانون به مردم اجازه دهد تا امور خود را با درجات مختلفی از اطمینان و اعتماد انجام دهند، باید معیاری عینی نیز برای شناسایی این اقدام یافت. آیا با پذیرش مسیری روشن که فریبنده و دست‌نیافتنی‌ست، می‌توان به نشانه قابل اعتماد برای قبول تعهد امانتدارانه دست یافت؟ اختلاف فاحش میان راه‌حل‌های جبران قصور و نقض قرارداد و راهکارهای نقض تعهدات امانتدارانه، این وظیفه مهم را بر دوش دادگاه‌ها می‌گذارد تا به ذی‌نفعان یاری رسانند تا در رابطه پیشین بمانند و دچار سرگردانی نشوند» ( Miller, 2011: 246).

در ادامه در جهت تبیین مسیر روشن مذکور، این طور بیان شد: «عبارتی همچون «اعمال قدرت (صلاحیت) یکجانبه»، «به اختیار دیگری» و «تمام اختیارات واگذار شده» حاکی از وابستگی و اعتماد کامل ذی‌نفع به امانتدار دارد. اعتماد کردن ساده نیست و اصولاً شرایط ذی‌نفع است که تعیین کننده طیف و حدود اعتماد کامل تا استقلال کامل را فراهم می‌نماید. در دکتترین حقوقی معاصر، تعهدی امانتدارانه تلقی می‌شود که یک طرف به طرف دیگر اعتماد کامل داشته باشد» (Flannigan, 2004: 73). البته ادعای اخیر قابل بحث است؛ چرا که

نظرات مخالفی مبنی بر تمایل افزودن معیارهایی نظامندتر به استدلال‌های مبتنی بر واقعیت، وجود دارد.

### ۳- عناصر معمول در یک رابطه امانت‌دارانه

با وجود اینکه تعریف جامعی از مفهوم امانت‌دار توسط حقوقدانان ارائه نشده است؛ اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که در تمامی تعاریف مذکور سه عنصر اساسی به چشم می‌خورد (Frankel, 2011:4): (۱) واگذاری دارایی یا قدرت اختیار در امور مالی یا حقوقی، (۲) که توسط یک امانت‌گذار به امانت‌دار صورت می‌گیرد و (۳) وجود خطر (آسیب‌پذیری) امانت‌گذار در برابر امانت‌دار که ناشی از رابطه امانت‌دارانه فی ما بین آنها است. البته علاوه بر این سه عنصر، تعریف اختصاصی هر رابطه‌ی حقوقی ممکن است حاوی عناصر دقیق‌تری باشد که گونه‌ای از امانت‌داران را از دیگری متمایز نماید (Ibid, 5). به عنوان مثال، «تمایندگی»<sup>۱</sup> در پرونده نلسون علیه سرورد (۱۹۸۲)<sup>۲</sup> بدین صورت تعریف شد: «در یک رابطه امانت‌دارانه‌ای که ناشی از قصد و رضایت مشترک است، شخصی از طرف دیگری و تحت کنترل، نظارت و رضایت او، عملیاتی را انجام می‌دهد». همین نکته در پرونده شورای ملی روابط کار علیه انجمن برادری نجاران<sup>۳</sup> نیز مورد توجه قرار گرفت. تعریف مذکور، سه معیار شامل سپردن قدرت-اختیار توسط اصیل به نماینده، درجه اعتماد میان طرفین و سطح خطری (ریسک) که اصیل و کارگزار برای ورود به رابطه امانی متحمل می‌شوند را بیان می‌کند (Ibid, 4). البته پرونده مدرسه برانسون علیه رومر<sup>۴</sup>، در تعریف «امانت»<sup>۵</sup>، بر پذیرش مسئولیت مال و وظیفه امانت‌دار در استفاده از مال

<sup>۱</sup> Agency.

<sup>۲</sup> Nelson v. Serwold, 687 F.2d 278, 282 (9th Cir. 1982) (citing Grace Line, Inc. v. Todd Shipyards Corp., 500 F.2d 361 (9th Cir. 1974) Restatement (Second) of Agency § 1(1) (1958); see also Restatement (Third) of Agency § 1.01 (2006). "The agent acts for or on behalf of the principal . . ." 687 F.2d at 282 (citing NLRB v. United Brotherhood of Carpenters, 531 F.2d 424 (9th Cir.1976)); see also Restatement (Third) of Agency § 1.01 (2006).

<sup>۳</sup> 687 F.2d at 282 (citing NLRB v. United Bhd. of Carpenters, 531 F.2d 424 (9th Cir. 1976))

<sup>۴</sup> Branson Sch. Dist. RE-82 v. Romer, 161 F.3d 619, 633 (10th Cir. 1998) (citing Restatement (Second) of Trusts §§ 2, 17, 23, 23 cmt. (a) (1959)), cert. denied, 526 U.S. 1068 (1999); see also Restatement (Third) of Trusts § 2 (2003).

<sup>۵</sup> Trust.

امانی، به نفع دیگران تاکید داشت و اشاره‌ای به کنترل امین و رضایت ذی‌نفعان نگردید (Ibid, 5).

بر این اساس در روابط امانتدارانه، عناصری که ماهیت اعتماد و مسئولیت مربوطه را مشخص می‌کند، به صورت اجمالی عبارتند از:

**۱-۳. اعتماد**

هسته اصلی رابطه‌ی امانتداری، اعتماد و اطمینانی است که یک طرف (ذینفع)، شخص دیگری را در جایگاه امانتدار قرار می‌دهد. نکته‌ای که قاضی پرونده ترسیا آریش علیه دفتر مرکزی اطلاعات عمومی<sup>۱</sup>، با جمع‌آوری آرای مشابه دادگاه‌های انگلستان، به آن اشاره داشت. عمل کردن امانتدار در جهت بهترین منافع ذینفع، نه تنها انتظاری مبتنی بر احساسات شخصی نیست بلکه انتظاری قانونی و اخلاقی می‌باشد (Bricks & Preto, 2002: 72)؛ ماده یک قانون تراست که مقرر می‌دارد: «هنگامی که شخص در مقام امانت‌دار باید در جریان تجارت یا هر حرفه‌ی دیگری عمل نماید، از او انتظار می‌رود که دانش و تجربه کافی یک شخص معقول و منطقی و متعارف که مشغول در آن تجارت یا حرفه بوده، را داشته باشد»<sup>۲</sup> می‌تواند نمونه و مستندی قانونی در توجیه این نظر باشد.

### **۲-۳. کنترل و نفوذ**

اصولا امانتدار در موقعیتی قرار دارد که او را قادر می‌سازد تا تصمیماتی نسبت به دارایی ذینفع اتخاذ نماید (Rtoman, 2017: 996) و این نکته ناشی از قدرت و نفوذ و صلاحیتی است که اصیل به وی اعطا نموده است.

### **۳-۳. آسیب پذیری ذی‌نفع**

ذی‌نفع اغلب با تکیه بر اقدامات امانتدار، خود را در موقعیتی آسیب‌پذیر می‌بیند. این وابستگی ایجاد می‌کند که امانتدار از منافع ذی‌نفع محافظت نماید و این امر آسیب‌پذیری منحصر به فرد ذی‌نفعان را تصدیق می‌کند (Ibid, 988).

### **۴-۳. مراقبت معقول و متعارف از دارایی ذی‌نفع**

---

<sup>۱</sup> Treesa Irish W/o Milton Lopez Vs. Respondent: The Central Public Information Officer, The Appellate Authority, The Central Information Commission and Union of India (UOI). 2010. Available at: <https://indiankanoon.org/doc/1118506/>

<sup>۲</sup> Trust Act 2000.

امانت‌دار، باید از دارایی ذینفع مراقبت و محافظت معقول و متعارفی داشته باشد و همچنین باید اختیارات و قدرت خود را در راستای منافع ذینفع بکار بگیرد ( Frankel 2002, 988)؛ درست است که این رکن در تمامی روابط امانت‌دارانه به چشم می‌خورد اما به نظر رکن مذکور از آثار یک رابطه امانت‌دارانه محسوب می‌شود.

#### ۴- کیستی شخص امین

تعریف جامعی از مفهوم امانت‌دار و امین را نمی‌توان در حقوق ایران یافت؛ اما با مذاقه در قانون و اصول حقوقی که بر نظام حقوقی ایران حاکم می‌باشد، امین را می‌توان شخصی معرفی نمود که مال دیگری را یا با اذن مالک و یا با اذن شارع و قانون‌گذار در تصرف دارد و تصرف وی به گونه‌ای می‌باشد که نمی‌توان عنوان غاصب را به وی نسبت داد (صفایی و قاسم زاده، ۱۳۸۴: ۶۱؛ نیازی و بادینی، ۱۳۹۲: ۱۳۷). با اینکه عده‌ای عدم شرط عوض را در شناسایی امین شرط دانسته‌اند (محقق داماد، ۱۴۰۰: ۱۳۰) اما به نظر می‌رسد شرط عوض تغییری در ماهیت امانی و شناسایی امین نداشته باشد؛ چرا که در عقد ودیعه اگر شرط عوض شده باشد، عوض در برابر وظیفه نگاهداری قرار نمی‌گیرد (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۲۳).

همین ابهام در حقوق کامن‌لا نیز وجود داشت و با اینکه تعریف وظایف امانت‌دارانه پیش از مفهوم امانت‌دار - امین به رسمیت شناخته شده بود اما آرای متنوع و بعضاً متعدد صادره از دادگاه‌ها حاکی از وجود اختلافاتی در تشریح و توضیح شخص امانت‌دار بود. در اوایل دهه ۵۰ میلادی که حقوقدانان انگلیسی به دنبال مبنایی برای توجیه وظایف امانت‌دارانه بودند، حقوقدانی آمریکایی پرسشی ساده مطرح نمود: «امانت‌دار (امین) کیست؟» و خود نیز چنین پاسخ داد: «امانت‌دار شخصی است که متعهد شده به نفع شخص دیگری عمل نماید» (Scott, 1949: 540). گرچه این تعریف جامع و کامل نبود اما به مبنای اساسی در تعریف و شناسایی وظایف امانت‌دارانه تبدیل شد. در ادامه، با تفسیر و توسعه تعریف مذکور، معیاری با عنوان «آزمون تعهد» برای شناسایی امانت‌داران در حقوق کشور انگلستان مطرح گردید (Moore, 2016: 337). این معیار تمامی اشخاصی که مستعد وضعیت امانت‌دارانه بودند را دربرمی‌گرفت تا اینکه معیار دیگری توسط حقوقدانان کانادایی تحت عنوان «آزمون قدرت -

اختیار» توسعه پیدا کرد و مطرح شد که به صورت اجمالی این دو آزمون در بندهای بعدی معرفی می‌شوند.

#### ۱-۴. آزمون تعهد

همانطور که پیشتر اشاره شد، آزمون تعهد از تعریف ساده حقوقدان آمریکایی نشأت گرفته و معیار مذکور توسط حقوقدانان استرالیایی توسعه یافت. حقوقدانان استرالیایی تعریف بهتر و جامع‌تری ارائه دادند که امانتدار «شخصی است که متعهد می‌شود برای یا از طرف دیگری در یک موضوع یا موضوعات خاص اقدام کند» (Finn, 1977: 201) که کماکان بسیار مورد ارجاع نیز قرار می‌گیرد. گرچه بعد از مدتی حقوقدانان از این نظر عدول نمودند اما دادگاه‌های انگلستان از همین رویکرد به منظور شناسایی امانتداران خصوصاً در مورد پرونده‌هایی که به مدیران سایه مرتبط بود، استفاده می‌کردند (McGhee & Elliott, 2010:149). از پرونده‌های مهمی که «آزمون تعهد» در شناسایی امانتدار نقش مهمی ایفا نمود و برای اولین بار برای شناسایی در مورد مدیران سایه بکار گرفته شد، می‌توان به پرونده اولترافریم<sup>۱</sup> اشاره داشت که دادگاه ماهیت رابطه موجود میان مدیر سایه و شرکت مربوطه را از نظر امانی بودن بررسی نمود.

در آزمون مذکور، وصف وفاداری (رفتار صادقانه و صداقت) ابزار توجیه یک رابطه امانتدارانه می‌باشد که ابزاری مبتنی بر اخلاق برای تعهدات امانی ارائه می‌دهد (Scallen, 1993: 909) اما بکارگیری وفاداری به عنوان ویژگی تعیین کننده، منجر به بروز ابهامات و دشواری‌های بیشتری شد؛ به عنوان مثال، تعریف وفاداری تقریباً به همان سختی امانتداری بود زیرا مفهومی است که خارج از روابط امانتداری نیز ظاهر می‌شود (Rotman, 2005: 143) و نمی‌تواند دلیلی برای مداخلات و تصرفات عادلانه ارائه دهد (Rotman, 2005: 144). بنابراین در حالی که ممکن است بخش مهمی از یک رابطه امانتداری باشد، اما به تنهایی نمی‌تواند ماهیت یک رابطه امانی را تعریف نماید (Hoyano, 1997: 82).

همچنین در آزمون مذکور، روابط امانتداری بر اساس دلایل مالکیت توجیه شده است (Miller, 2013: 989)، به نظر می‌رسد حتی افزودن چنین توجیهاتی در بررسی وظایف

---

<sup>1</sup> Ultraframe uk ltd v Fielding 2005 ewhc 1638 ch

امانتدارانه کافی نبود. روابط امانی ممکن است مربوط به اعمال قدرت بر دارایی باشد؛ اما در مورد مدیران شرکت، مسئولیت‌هایشان به مراتب بسیار فراتر از حفاظت از اموال شرکت است و همچنین به موضوعاتی مانند شهرت و رعایت الزامات امانی برای جلوگیری از تعارض منافع هم مربوط می‌شود (Miller, 2013: 989; Rotman, 2005: 86). در نتیجه نقص به وجود آمده، تعریف دیگری برای قاعده‌مند سازی مفهوم ارائه گردید: «شخص در رابطه خود با دیگری، زمانی امانتدار است که، تا آنجا که دیگری حق دارد انتظار داشته باشد به نفعش یا به نفع مشترکشان، عمل نماید» (Finn, 1989: 54).

نسبت به قاعده جدید ارائه شده که از تحلیل انتظارات مشروع به منظور تعریف ماهیت وظایف امانتدارانه بهره جست، انتقادات پیشین نیز وارد است (Edelman, 2010: 318)؛ و از طرف دیگر در تبیین قاعده جدید از وصف اعتماد استفاده شده است که در نتیجه همان مشکلات و دشواری‌های مشابه با تفسیر ناشی از وفاداری نیز وجود دارد (Shepherd, 1981: 59). با این حال، طرفداران رویکرد و نظر اخیر، اصل امانتداری را جزو نظم عمومی و اخلاق حسنه دانسته و اعتقاد دارند این وظایف برای حفظ یکپارچگی و اعتماد عمومی اشخاص در روابط میان اجتماع اهمیت دارند که جهت حفظ منافع خصوصی و اقتصادی طرفین بکار می‌رود (McGhee, 2010: 874, 878).<sup>۱</sup> این معیار، به کمک استدلال‌های قیاسی و با تمرکز بر وضعیت و شواهد موجود در هر پرونده تعمیم و توسعه پیدا کرد اما تفسیر موسع بیش از حد، خصوصاً در پرونده‌هایی که با مدیران سایه درگیر بودند، باعث صدور آرای متنوع در دادگاه‌های انگلستان گردید.

## ۲-۴. آزمون قدرت - اختیار

هنگامی که قضات دادگاه‌های انگلستان در سردرگمی ناشی از آرای متعدد به سر می‌بردند، دکترین کانادایی با معرفی سه مشخصه اصلی برای شناسایی امانتداران، معیاری دیگری را با عنوان «آزمون قدرت و اختیار»، همسو با نظریه‌ی حقوق امانتداران میلر، ارائه کردند

---

<sup>۱</sup> برای مطالعه‌ی بیشتر می‌توان به پرونده‌ی مهمی که به درستی و با موفقیت، از توجیه مذکور در اصدار رای مورد بهره‌گرفت، رجوع نمایید:

(959 : 2011, Rotman). مشخصات مذکور عبارتند از: نخست صلاحیت داشتن یا قدرت داشتن امانتدار برای عمل کردن، دوم، بکارگیری یک‌جانبه صلاحیت و اقتدار از جانب امانتدار برای اثرگذاری در منافع قانونی اصیل و در نهایت، آسیب‌پذیری ذینفع یا فرارگیری وی در وضعیتی آسیب‌پذیر در برابر اقدامات امانتدار (349 : 2016, Moore). این سه ویژگی ابتدا در حقوق کانادا و نیوزلند و سپس در رویه قضائی انگلستان به روش ثابت‌شده‌ای جهت شناسایی امانتدار بدل گشت.

لازم است نظریه میلر در مورد حقوق امانتدارانه اجمالا تشریح گردد. میلر رابطه امانتدارانه را نوع متمایز و منسجمی از یک رابطه حقوقی می‌داند و آن را این‌گونه تعریف می‌کند: «روابطی که در آن یک طرف (امانت‌دار یا امین) قدرت اختیاری خود را بر منافع عملی مهم دیگری (ذینفع) اعمال می‌کند» (73 : 2014, Miller). میلر برای تشریح نظریه خویش دو دسته ویژگی تحت عناوین ویژگی‌های متمایز کننده و ویژگی‌های ساختاری برای رابطه امانتدارانه شناسایی می‌کند. وجه بارز و مهم ویژگی متمایز کننده رابطه، قدرت اعمال صلاحیت امانتدار است (69 : 2014, Miller). در واقع، پایه و اساس نظریه‌ی میلر بر همین ویژگی بسیار مهم استوار است و این رابطه منحصر به فرد از شخصیت حقوقی موکل ناشی می‌شود که اذن در تصرفات اعمال حقوقی را به امانتدار، واگذار نموده است (اعطای نیابت کرده) (Miller, 2014: 74) که نتیجه آن نظریه اختیارات امانت‌داری است؛ عبارت دیگر، قدرت امانتدار به دلیل منشا آن، صراحتاً بر این نظر تأکید دارد که امانتدار باید در راستای منافع عملی دیگری (یعنی شخص اصیل که قدرت را به او واگذار نموده) رفتار نماید (81 : 2014, Miller). همچنین، میلر سه ویژگی نابرابری، وابستگی و آسیب‌پذیری را به عنوان مشخصه‌های ساختاری این نظریه تعیین می‌کند (83 : 2014, Miller). نابرابری، بیانگر سطوح نابرابر قدرت در رابطه‌ی امانتداری موجود میان طرفین است (به نحوی که معمولاً امانتدار از قدرت بالای مستقلاً در رابطه برخوردار است). به نظر می‌رسد دو ویژگی وابستگی و آسیب‌پذیری نیز به نوعی منعکس‌کننده «نابرابری ساختاری ناشی از شکل‌گیری یک رابطه امانتداری» هستند.

چگونگی اعمال نظریه میلر در شناسایی امانتداران را می‌توان در پرونده فریم علیه اسمیت<sup>1</sup> جست که در آن دیوان عالی کانادا، سه ویژگی روابط امانتداری را که در نهایت تحت عنوان

---

<sup>1</sup> *Frame v Smith (1987) 42 DLR (4th) 81*

آزمون «قدرت و اختیار» شناخته می‌شوند، شناسایی نمود. آزمون «قدرت و اختیار» رویکرد عملی روشنی برای اجرای نظریه میلر ارائه می‌دهد. عناصری (ارکان و ویژگی‌ها) که در پرونده فریم علیه اسمیت معرفی شدند عبارتند از:

- (۱) امانت داری برای عمل کردن، صلاحیت یا اختیار دارد.
- (۲) امانتدار می‌تواند به طور یکجانبه از این صلاحیت یا اختیار استفاده کند تا بر منافع قانونی یا عملی ذینفع تأثیر بگذارد.
- (۳) ذینفع به طور خاص در برابر امانتداری که اختیار یا قدرت را در اختیار دارد آسیب پذیر است یا در معرض آن قرار می‌گیرد (Rotman, 2005:969).

متعاقباً این سه ویژگی به روش متداولی برای شناسایی روابط امانتداری در کانادا و نیوزلند بدل گردید و به مرور در دادگاه‌های انگلستان هم بکار گرفته شد. گرچه آزمون قدرت و اختیار، مبنای مناسبی را جهت شناسایی امانتداران در اختیار قرار داد، با این همه، دادگاه‌هایی که از معیار مذکور برای شناسایی امانتداران استفاده می‌کردند، بر لزوم وجود تعهدی در کنار ویژگی‌ها و مشخصه‌های آزمون، تأکید داشتند. آنان عقیده داشتند که شناسایی تعهد مذکور، چه به صورت صریح و چه به صورت ضمنی، تضمین‌کننده‌ی صداقت و وفاداری رفتار امانتدار خواهد شد (Rotman, 2011: 100).

در نهایت، دادگاه‌ها با ترکیب تعهد در کنار سه ویژگی شناسایی ناشی از معیار آزمون قدرت - اختیار، نظریه‌ای موسوم به آزمون دوگانه را خصوصاً در قبال شرکت‌هایی که با مدیران سایه مواجه بودند، ارائه دادند. با اینکه بسیاری از مشکلات شناسایی امانتداران برطرف گردید اما حقوقدانانی به منظور مقابله با توسعه مفهوم امانتدار در بسیاری از روابط حقوقی، مخالف سرسخت بکارگیری آزمون تعهد - قدرت اختیار هستند. با این حال، رویکرد کانادایی و آزمون دوگانه، تحولی سترگ در حقوق امانتداران ایجاد نمود که به سادگی قابل چشم‌پوشی نیست.

## ۵- گستره وظایف تحمیلی بر امانتداران

گستره‌ی وظایف امانتدارانه بسته به وضعیت‌های گوناگون و نوع رابطه‌ی امانتدارانه، متغیر است (Velasco, 2010: 1231; Rebstein, 2011: 899). به عنوان نمونه، میان حقوقدانان، در اینکه وظیفه‌ی رازداری و حفظ اطلاعات محرمانه توسط امانتداران، وظیفه‌ی امانتدارانه

در نظر گرفته شود، اختلاف نظر وجود دارد (Madoff, 1997: 583). همچنین در تلقی وظیفه مراقبت و محافظت به عنوان وظیفه‌ی امانتداری که مستلزم رفتار منطقی و متعارف امانتدار در انجام وظایف است، تردید وجود دارد (Alces, 2009: 250).

با این حال، همان طور که پیشتر نیز مورد اشاره واقع گردید، در یک رابطه امانتدارانه مجموعه‌ای از وظایف مشترک وجود دارد که بر امانتداران تحمیل می‌گردد. در واقع وظایف امانتدارانه، مجموعه‌ای از تعهدات و الزامات قانونی و اخلاقی است که یک طرف را ملزم می‌سازد تا در راستای منافع ذی‌نفع عمل کند (Miller, 2013:976). شخص متعهد امانتدار شناخته می‌شود. این وظایف در حفظ اعتماد و صداقت در روابط مختلف حرفه‌ای و شخصی بسیار مهم هستند. به صورت اجمالی، موارد اساسی وظایف امانتدارانه به شرح ذیل می‌باشد:

الف) وظیفه محافظت<sup>۱</sup>؛ امانتدار باید سطح معقول و متعارفی از مراقبت در اعمال خود و اتخاذ تصمیمات آگاهانه و محتاطانه را داشته باشد. این بدان معناست که باید در شرایط مشابه مانند شخص محتاط عمل کرده و از اینکه تصمیماتش به خوبی و در راستای منافع ذینفع اتخاذ شده اطمینان حاصل کند (Cornel Law School, 2022; Day, 2024). در تبیین این بند می‌توان به پرونده اسمیت علیه فن‌گورکم<sup>۲</sup> در سال ۱۹۸۵ استناد نمود؛ قاضی دادگاه اظهار داشت که مدیر شرکت نباید به سادگی اطلاعات ارائه شده را بپذیرد، بلکه در عوض مدیر باید اطلاعات را با «نگاه انتقادی»<sup>۳</sup> ارزیابی کند تا از منافع شرکت و سهامداران محافظت نماید. در همین راستا، جلوه‌ای از وظیفه محافظت در حقوق ایران در ماده ۶۱۲ قانون مدنی منعکس شده، جایی که بر شخص امین تکلیف شده است تا از مال ودعی طوری که مالک مقرر کرده یا به طور متعارف، محافظت کند. همچنین طبق ماده ۳۳۹ قانون تجارت دلال ضامن تمام اشیایی است که به او داده شده است؛ و طبق ماده ۳۴۰ همان قانون اگر فروش از روی نمونه باشد، دلال باید نمونه‌ها را تا ختم معامله نگاه بدارد. در شرکت‌های تجاری نیز مدیران وکیل شرکت تلقی شده و تعهد محافظت (مراقبت) در خصوص هیئت

---

<sup>1</sup> Duty of Care.

<sup>2</sup> Smith v. Van Gorkem, 488 A.2d 858 (1985).

<sup>3</sup> Critical Eye

مدیره‌ی شرکت‌های تجاری، تعهد مدیران شرکت به اتخاذ تصمیم‌های آگاهانه و سنجیده است (یوسف‌زاده، و همکاران ۱۳۹۸: ۳۷۴).

(ب) پرهیز از تعارض منافع<sup>۱</sup>؛ رابطه امانت‌دارانه ایجاب می‌کند امانت‌دار منافع ذی‌نفع را بالاتر از منافع خود قرار دهد؛ در واقع امانت‌دار باید از تعارض منافع اجتناب کند و نمی‌تواند بدون رضایت ذینفع از موقعیت خود سود ببرد؛ این از خودگذشتگی<sup>۲</sup> برای رابطه امانت‌داری اساسی است (Harding, 2016:86, 2017:23). مواد ۳۴۶، ۳۴۷ قانون تجارت، دلالتی که در نفس معامله سهام و ذی‌نفع بوده را موظف نموده تا به اصیل اطلاع دهد؛ و برای نقض تکلیف مذکور، ضمانت اجرای حقوقی و کیفری برای دلال پیش‌بینی کرده است. همچنین طبق ماده ۱۲۴۰ قانون مدنی به سبب وجود تعارض منافع، قییم نمی‌تواند به سمت قیمومیت طرف معامله مولی علیه خود شود. البته باید اشاره داشت که تعارض میان منافع شرکت و سهامداران و مدیران از چالشی‌ترین موضوعاتی است که شرکت تجاری با آن روبروست و در این راستا بدیهی است که مدیران موظف هستند همواره منافع شرکت را در نظر بگیرند (یوسف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۷۳). در خصوص ضمانت اجرای تخطی از این وظایف می‌توان به مواد ۱۲۹ تا ۱۳۱ لایحه اصلاحی قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ اشاره داشت. همچنین علاوه بر مسئولیت مدنی مسئولیت کیفری هم برای مدیرانی که با سوء نیت و بر خلاف منافع شرکت از قدرت و اختیار خود استفاده کرده‌اند، در نظر گرفته شده است که بند چهارم از ماده ۲۵۸ لایحه اصلاحی قانون تجارت، مستند این موضوع است. همچنین باید اشاره داشت که قانون مجازات اسلامی به صورت صریح به قاعده منع تعارض منافع نپرداخته، اما تحلیل مواد آن نشان می‌دهد که این قاعده به طور تلویحی در بخش‌هایی از قانون وجود دارد و باید در تفسیر و بازنگری قانون، از این رویکرد حمایت‌گرانه حفاظت و در موارد ناقض آن بازنگری صورت گیرد (ماستری فراهانی و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۹۸). جلوه‌ی دیگری از پرهیز در تعارض منافع، ممنوعیت اخذ پورسانت مدیران شرکت‌های دولتی در رابطه با معاملات خارجی می‌باشد<sup>۳</sup> که حسب مورد این اموال به نفع دولت مصادره می‌گردد (بهرامی، ۱۴۰۳: ۲۳).

<sup>1</sup> Avoiding conflicts of interest

<sup>2</sup> Selflessness

<sup>3</sup> ماده واحده قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی مصوب ۱۳۷۲

ج) وظیفه اطاعت‌پذیری؛ امانتداران ملزم هستند تا به شرایط اسناد حاکمیتی (مانند قراردادهای امانی یا آیین نامه های شرکتی) پایبند باشند و از قوانین و مقررات قابل اجرا پیروی کنند (Conaglen, 2010:61). یعنی اقدامات امانتداران بایستی با الزامات قانونی و دستورالعمل‌های ارائه شده توسط اصیل هماهنگ باشد. بر این اساس امین نمی‌تواند از اختیارات تفویضی تجاوز کند (مواد ۶۱۲، ۶۱۶ و ۶۶۷ قانون مدنی)؛ و مکلف است مطابق دستور ذی‌نفع عمل کند و گرنه باید از عهده کلیه خساراتی که از عدم رعایت دستور او ناشی شده برآید (مواد ۳۶۰، ۳۶۴ قانون تجارت).

د) وظیفه افشاء؛ این وظیفه امانتداران را مکلف می‌کند که شفافیت و صداقت خود در رابطه با ذینفعان را حفظ کنند؛ بدین منظور لازم است کلیه‌ی اطلاعاتی که ممکن است بر منافع ذینفعان اثر بگذارد، ارائه دهند (Conaglen, 2017:120). مستند این وظیفه را می‌توان در پرونده سویندل علیه هرسیون<sup>۱</sup> جستجو نمود. قاضی پرونده اعتقاد داشت اگر دادگاه به این نتیجه رسید که حقایق افشا نشده اهمیت دارند آنگاه امانتدار نمی‌تواند استدلال کند افشای حقایق مذکور تاثیری در تصمیم‌گیری امانتگذار (اصیل) نمی‌گذاشت و از مسئولیت نقض وظیفه امانتداری که همانا شفافیت و صداقت در اطلاع‌رسانی و افشای اطلاعات است، اجتناب نماید. بر این اساس است که ماده ۳۳۷ قانون تجارت دلال را مکلف کرده است در نهایت صحت و از روی صداقت طرفین معامله را از جزئیات راجعه به معامله مطلع سازد؛ و همچنین در خصوص افشای اطلاعات مرتبط با تعارض منافع، مطابق ماده ۳۴۶ همان قانون دلالی که در نفس معامله منتفع یا سهیم باشد باید به طرفی که این نکته را نمی‌داند اطلاع دهد.

ه) حسن نیت؛ شکی وجود ندارد که امانتدار باید با حسن نیت عمل کند و رفتاری صادقانه و منصفانه در قبال ذینفع داشته باشد. همچنین امانتداران، متعهد هستند که از موقعیت خود برای منافع شخصی، سوء استفاده نکنند (Conaglen, 2010:40). آرای بسیاری از دادگاه‌ها صادر شده که وظیفه حسن نیت را به عنوان وظیفه اصلی و در واقع هسته اصلی وظایف

---

<sup>۱</sup> [1997] 4 All ER 705 ('Swindle')

امانتدارانه توصیف نموده‌اند (Finn, 1977: 78). قاضی میلیت<sup>۱</sup> در قضاوت خویش در پرونده برسیتول و انجمن ساخت‌وساز غرب علیه موته<sup>۲</sup>، وظیفه حسن نیت را به عنوان یکی از جنبه‌های اصلی وظیفه امانتدارانه‌ی شخص امانتدار توصیف و تشریح نمود.

مطابق جزء آخر ماده ۳۳۵ قانون تجارت قرارداد دلالی از اشکال عقود امانی است و بدین سبب دلال مکلف به رعایت حسن نیت در اقدامات خود است و طبق ماده ۳۳۷ قانون مذکور باید «در نهایت صحت و از روی صداقت، طرفین معامله را از جزئیات راجعه به معامله مطلع سازد».

## نتیجه‌گیری

در جریان‌های جامعه مدنی پیشرفته‌ای که در آن زندگی می‌کنیم، وظایف امانتدارانه به سان خون در آن جاری هستند؛ چه از آن آگاه باشیم، چه نباشیم. وکلا، پزشکان، مشاوران سرمایه‌گذاری، اوصیاء، مدیران موسسه‌های تجاری و غیرتجاری، والدین و قیم‌ها جملگی مشمول وظایف امانتدارانه‌ای هستند که بنا به ماهیت آن ممکن است ناشی از قانون، اساسنامه، عرف و یا توافق طرفین باشد (Smith, 2002: 1400). با وجود اهمیت موضوع، نه تنها توجیه وظایف امانتدارانه به ندرت مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته، بلکه مفهوم و ماهیت روابط امانتدارانه نیز مبهم باقی مانده است. حقوقدانان آکادمیک برای معرفی این نهاد، از استدلال‌های تقلیل‌گرایان و ابزارگرایان استفاده کردند. استدلال‌های مذکور، با وجود عدم توفیق در کسب مقبولیت و پذیرش قابل قبول در جامعه حقوقی، باعث آشکار شدن جنبه‌های مهم مسئولیت امانتدارانه شدند. در نهایت دیدگاهی امیدوارکننده، مبتنی بر رویه قضائی شکل گرفت که روابط امانتدارانه را بر اساس معیارهای خاص و اصول حقوقی به رسمیت شناخت. دیدگاه اخیر، شخصی که در یک رابطه امانتدارانه، قدرت و اختیار خود را در جهت منافع اصیل اعمال می‌کند، امانتدار می‌شناسد. در خصوص شناسایی رابطه‌ی امانتدارانه، دادگاه‌ها

---

<sup>۱</sup> Millett LJ

<sup>۲</sup> Bristol & West Building Society v Mothew [1998]

به قدرت و اختیار امانتدار، آسیب‌پذیری ذینفع (اصیل) در برابر اقدامات امانتدار توجه می‌کنند؛ اما پیش از آن، وجود رابطه‌ی متکی بر اعتماد میان طرفین، بررسی می‌گردد؛ رابطه‌ای که یکی از طرفین (ذی‌نفع یا اصیل) به توصیه طرف دیگر (امانتدار) تکیه کرده و اعتماد می‌کند، مانند روابط میان وکلا و موکلین، متولیان و ذی‌نفعان و همچنین رابطه میان مدیران شرکت با سهامداران.

وظایف امانتدارانه، در حقوق کامن لا به عنوان چارچوبی قانونی، مانند شاخصی که روابط مبتنی بر اعتماد را کنترل، نظارت و اداره می‌کند. در حقیقت این وظایف استانداردها و معیارهای بالایی از مراقبت و حفاظت بر امانتداران را تحمیل کرده و آنان را ملزم می‌سازد تا در نهایت صداقت و وفاداری، در راستای منافع اصیل (ذی‌نفعان خود) عمل کنند. از جمله مهم‌ترین این وظایف، وظیفه مراقب و حفاظت از منافع اصیل است، به عنوان مثال مدیر شرکت در برابر سهامداران تعهد دارد تا مشارکت فعالی در جلسات هیئت مدیره داشته باشد و تصمیمات و اقدامات وی باید در راستای منافع سرمایه‌ای شرکت باشد. دیگر وظیفه مهم امانتدار، وفاداری و رفتار صادقانه است که بدین منظور باید منافع اصیل را بر منافع شخصی خویش ترجیح دهد و از هرگونه تعارض منافی با اصیل اجتناب نماید و در صورت وجود تعارضی احتمالی باید آن را افشا نمایند. همچنین، اعمال صلاحیت امانتداران همواره باید صادقانه و با حسن نیت باشد.

لازم به یادآوری می‌باشد که هر تعهدی، تعهد امانتدارانه نیست؛ و وجود تعهد به تنهایی بیان‌کننده و توجیه‌کننده وظیفه امانتدارانه نمی‌باشد؛ اما می‌تواند محتوای وظایف و تکالیف را تا حدودی توجیه نماید. برای اعمال وظایف امانتدارانه، حقوق‌دانان کانادایی نظریه‌ای جدید ارائه نمودند که به معیار (آزمون) قدرت و اختیار کانادایی معروف شده است که در کنار آزمون تعهد می‌تواند مبنای مناسبی هم برای شناسایی امانتداران و همچنین اعمال وظایف امانتداران مورد استفاده قرار بگیرد.

در نهایت با توجه به کاربردهای گسترده وظایف امانتدارانه در روابط حقوقی اشخاص، نظریه وظایف امانتدارانه، می‌تواند معیاری مناسب برای شناسایی روابط امانتداران و همچنین سنجش میزان تعهدپذیری طرف متعهد باشد. دیگر مزیت نظریه‌ی مذکور، رهایی اشخاص درگیر در روابط امانتدارانه از بلا تکلیفی و سردرگمی ناشی از حدود تعهدات و مسئولیت‌ها و

همچنین ضمانت اجاره‌های نقض تعهدات امانتدارانه است که در نتیجه می‌توانند با درکی صحیح از حدود و ثغور حقوق و تعهدات، وارد رابطه شوند. از آنجایی که نشانه‌هایی از جلوه‌های نظریه‌ی وظایف امانتدارانه در حقوق ایران وجود دارد، پیشنهاد می‌شود نظریه‌ی معرفی‌شده، متناسب با نیازهای جامعه حقوقی ایران بررسی و متناسب با آرای قضائی و رویه دادگاه‌های ایران در اختلافات این‌چنین توسعه یابد. همچنین نباید نقش قوه قضائیه و خصوصاً دادگاه‌ها را در شناسایی و توسعه مصادیق رابطه‌ی امانتدارانه نادیده و ضعیف پنداشت. دادگاه‌های ایران نیز می‌توانند روند توسعه‌ای که در نظام حقوقی کامن لا از طریق آرای قضائی صورت گرفته است را طی کنند و در شناسایی این تاسیس قانونی نقش مهمی را ایفا نمایند. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، امکان بکارگیری نظریه امانتدارانه و تفسیر روابط قراردادی، خصوصاً در مواردی که یک طرف قدرت تصمیم‌گیری به جای دیگری را دارد همانند قراردادهای سرمایه‌گذاری، بررسی شود.

پذیرفته شده | در انتظار انتشار | نسخه‌ی اولیه | ویراستاری نشده  
Accepted | Awaiting Publication | Draft Version | Unedited

## منابع و مأخذ

### الف) منابع فارسی

اسماعیلی، محسن؛ کربلایی بازکی، محمد. (۱۳۹۸). اعتبارسنجی مفهوم امین در فقه و حقوق ایران. *آموزه‌های حقوقی گواه*، ۶(۱۰)، ۱-۲۴.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۸۶). *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، جلد اول، تهران: کتابخانه گنج دانش.

بهرامی، حسین. (۱۴۰۳). پاداش ستانی امین از ثالث، با نگاهی به حقوق انگلستان. فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، ۷(۲۴)، ۷-۳۸. [doi: 10.22034/law.2024.2036736.1424](https://doi.org/10.22034/law.2024.2036736.1424)

صفایی، سید حسین؛ قاسم‌زاده، سیدمرتضی. (۱۳۸۴). *اشخاص و محجورین*. تهران: انتشارات سمت. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۸). *حقوق مدنی، درس‌هایی از عقود معین*، جلد دوم. تهران: کتابخانه گنج دانش. محقق داماد، سیدمصطفی. (۱۴۰۰). *قواعد فقه بخش مدنی مالکیت - مسئولیت*. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

ماستری فراهانی، رقیه؛ قربانی، علی؛ رضایی‌نژاد، ایرج. (۱۴۰۳). جلوه‌های قاعده منع تعارض منافع در حقوق کیفری ایران؛ با تأکید بر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ با رویکردی تطبیقی، *فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی*، ۷(۲۴)، ۱۷۰-۲۰۳.

نیازی، عباس؛ بادینی، حسن. (۱۳۹۲). بررسی مسئولیت آخذ بالسوم با نگاهی تطبیقی، *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، ۱۷(۳)، ۱۳۵-۱۵۷.

یوسف‌زاده، احمد؛ رستم‌زاده اصلی، سروش؛ صابری، محمود. (۱۳۹۸). مطالعه تطبیقی تکالیف سهام‌داران کنترل‌کننده در قبال سهام‌داران اقلیت در حقوق ایران و انگلیس، *مطالعات حقوق تطبیقی*، ۱۰(۱)، ۳۶۳-۳۸۶.

### ب) منابع عربی

بجنوردی، سیدحسن (۱۴۱۹). *القواعد الفقهیه*، جلد اول، چاپ اول، قم: نشر الهادی.

### ج) منابع لاتینی

Briks P., & Pretto A. (2002). *Breach of Trust*. Oxford: Hart Publishing.

Cornell Law Review. (2023). *Fiduciary Duties of Trustees*, Retrieved 18 Sep.

2024

from

[https://www.law.cornell.edu/wex/fiduciary\\_duties\\_of\\_trustees](https://www.law.cornell.edu/wex/fiduciary_duties_of_trustees)

Cornell Law School. (2022). Fiduciary Duty, Retrieved 16 Sep. 2024 from <https://www.diligent.com/resources/blog/fiduciary-duties-of-board-members>

Cooter, R., & Freedman, B. (1991). The Fiduciary Relationship: Its Economic Character and Legal Consequences, *New York University Law Review*, 1045-1076.

Conaglen, M. (2010). *Fiduciary Loyalty: Protecting the Due Performance of Non-Fiduciary Duties*, Oxford: Hart publishing.

Conaglen, M. (2017). Brickenden, In S. Degeling and J. NE. Varuhas, *Equitable Compensation And Disgorgement Of Profit*, (pp.111-141), Hart Publishing.

Day, M. (2024). Fiduciary duty: Definitions, breaches, and prevention tips, Retrieved 16 Sep. 2024 from <https://www.diligent.com/resources/blog/fiduciary-duties-of-board-members>

Demott, Deborah. (2007). Disloyal Agents. *Alabama Law Review*, 58(5), 1049-1067.

Easterbrook, F., Fischel, D. (1989). The Corporate Contract. *University of Chicago Law School*, 89(7), 1416-1448.

Easterbrook, F., Fischel, D. (1993). Contract and Fiduciary Duty. *The Journal of Law and Economics*, 36 (1). 425-451. Doi: 10.1086/467282

Finn, P. (1977). *Fiduciary Obligations*, Sydney: The Law Book Company Ltd.

Finn, P. (1989). *Fiduciaries and Trusts*, Toronto: Carswell.

Flannigan, R. (2004). The Boundaries of Fiduciary Accountability, *Canadian Bar Review*, Vol. 83, pp. 35-90.

Frankel, T. (2002) Fiduciary Duties , In book: The New Palgrave Dictionary of Economics and the Law (pp.785-790) , DOI:10.1007/978-1-349-74173-1\_148 , 785- 790. ( برداشته شده از سایت: )  
( <https://cyber.harvard.edu/trusting/unit5all.html> )

Frankel, T. (2011). *Fiduciary Law*: New York, Oxford University Press.

Harding, M. (2016). Fiduciary Understanding. In P. B. Miller and A. S. Gold (Ed.), *Contract, Status, And Fiduciary Law* (pp. 71-89), Oxford University Press.

Harding, M. (2017). Disgorgement of Profit and Fiduciary Loyalty. In S.

- Degeling and J. NE. Varuhas, *Equitable Compensation And Disgorgement Of Profit*, (pp.19-40), Hart Publishing.
- Horne. C. (2015). The Avalon Project, Documants in Law, History and Diplomacy. Retrieved 15 September 2024 from <https://avalon.law.yale.edu/ancient/hammint.asp>
- Johnston, D. *The Roman Law of Trusts*. Oxford: Clarendon Press.
- Kosfeld, M., Heinrichs, M., Zak, P., & Fischbacher U. (2005). Oxytocin increases trust in humans. *Nature*, 435 (7042), 673–676. <https://doi.org/10.1038/nature03701>
- Madoff, R. (1997). Unmasking undue Influence. *Minnesota Law Review*, 81(3). 571-630.
- Miller, P. (2011). A Theory of Fiduciary Liability, *McGill Law Journal*, 56 (2), 236-288.
- Miller, P. (2013). Justifying Fiduciary Duties, *McGill Law Journal*, 58(4), 969-1023.
- Miller, P. (2014). ‘The Fiduciary Relationship’ in A Gold and P Miller (eds) *Philosophical Foundations of Fiduciary Law*, Oxford: Oxford University Press.
- Moore, Colin. (2016). Obligations in the Shade: the application of fiduciary directors’ duties to shadow directors, *Legal Studies*, 36(2), 326-353.
- Rebstein, L. (2011). Fencing Fiduciary Duties. *Boston University Law Review*. 91(3). 899-920.
- Rotman, L. (2005). *Fiduciary Law*. Toronto: Thomson Carswell.
- Rotman, L. (2011). Fiduciray Law’s “Holy Grail”: Reconciling Theory and Practice in Fiduciary Jurisprudence, *Boston University Law Review*, Vol. 91. 921-971.
- Rotman, L. (2017). Understanding Fiduciary Duties and Relationship Fiduciarity. *McGill Law Journal*, 62(4), 975-1042.
- Scholz, L. (2020). Fiduciary Boilerplate: Locating Fiduciary Relationships in Information Age Consumer Transactions, *The Journal of Corporation Law*, 46:1, 143-196.
- Scott, A. (1949). The Fiduciary Principle, *California Law Journal*, 37(4), 539-555.
- Sealy, L. (1963). Some Principles of Fiduciary Obligation. *Cambridge Law Journal*, 21 (1), 119-140.
- Seipp, D. (2011). Trust and Fiduciary Duty in the Early Common Law,

- Boston University Law Review*, 91(3), 1011-1037.
- Shepherd, J. (1981). *The law of Fiduciaries*. Toronto: Carswell.
- Smith, G. (2002). The Critical Resource Theory of Fiduciary Duty, *Vanderbilt Law Review*, 55(-), 1399-1498.
- Sitkoff, R. (2014). 'An economic theory of fiduciary law' in A Gold and P Miller (eds) *Philosophical Foundations of Fiduciary Law*, Oxford: Oxford University Press.
- Velasco, J. (2010). How Many Fiduciary Duties Are There in Corporate Law? *Southern California Law review*, 83(6), 1231-1318.
- VerSteeg, R. (1999). Early Mesopotamian Commercial Law , *University of Toledo Law Review*, 30 (2), 183-214.
- Vinter, E. (1955). *A Treatise on the History and Law of Fiduciary Relationship and Resulting Trusts*, 3rd ed. Cambridge: Heffer & Sons.
- Weinrib, E. (1975). The Fiduciary Obligation. *University of Toronto Law Journal*, 25(1), 1-22

## References

- Briks P., & Pretto A. (2002). *Breach of Trust*. Oxford: Hart Publishing.
- Bahrami, H. (2024). Reward Taken by a Trustee from a Third Party, With a Glance at English Law, *Journal of Research and Development in Comparative Law*, 7(24), 7-38. doi: [10.22034/law.2024.2036736.1424](https://doi.org/10.22034/law.2024.2036736.1424) (In Persian).
- Bojnurdi, H. (1998). *Al-qawaid al fiqhiyyah*, Qom: Al-Hadi. (In Arabic)
- Cornell Law Review. (2023). Fiduciary Duties of Trustees, Retrieved 18 Sep. 2024 from [https://www.law.cornell.edu/wex/fiduciary\\_duties\\_of\\_trustees](https://www.law.cornell.edu/wex/fiduciary_duties_of_trustees)
- Cornell Law School. (2022). Fiduciary Duty, Retrieved 16 Sep. 2024 from <https://www.diligent.com/resources/blog/fiduciary-duties-of-board-members>
- Cooter, R., & Freedman, B. (1991). The Fiduciary Relationship: Its Economic Character and Legal Consequences, *New York University Law Review*, 1045-1076.
- Conaglen, M. (2010). *Fiduciary Loyalty: Protecting the Due Performance of Non-Fiduciary Duties*, Oxford: Hart publishing.

- Conaglen, M. (2017). Brickenden, In S. Degeling and J. NE. Varuhas, *Equitable Compensation And Disgorgement Of Profit*, (pp.111-141), Hart Publishing.
- Day, M. (2024). Fiduciary duty: Definitions, breaches, and prevention tips, Retrieved 16 Sep. 2024 from <https://www.diligent.com/resources/blog/fiduciary-duties-of-board-members>
- Demott, Deborah. (2007). Disloyal Agents. *Alabama Law Review*, 58(5), 1049-1067.
- Easterbrook, F., Fischel, D. (1989). The Corporate Contract. *University of Chicago Law School*, 89(7), 1416-1448.
- Easterbrook, F., Fischel, D. (1993). Contract and Fiduciary Duty. *The Journal of Law and Economics*, 36 (1). 425-451. Doi: 10.1086/467282
- Esmaili, M., Karbalaee Pazoki, M. (2020), The Validation of Fiduciary Concept in Jurisprudence and Law of Iran, *Bi-quarterly Journal of Legal Educations*, No. 6 (10). 1-24. (In Persian)
- Finn, P. (1977). *Fiduciary Obligations*, Sydney: The Law Book Company Ltd.
- Finn, P. (1989). *Fiduciaries and Trusts*, Toronto: Carswell.
- Flannigan, R. (2004). The Boundaries of Fiduciary Accountability, *Canadian Bar Review*, Vol. 83, pp. 35-90.
- Frankel, T. (2002) Fiduciary Duties , In book: [The New Palgrave Dictionary of Economics and the Law \(pp.785-790\)](#) , DOI:10.1007/978-1-349-74173-1\_148 , 785- 790. ( برداشته شده از سایت: )  
( <https://cyber.harvard.edu/trusting/unit5all.html> )
- Frankel, T. (2011). *Fiduciary Law*: New York, Oxford University Press.
- Jafari –Langroudi, M J. (2007). *Mabsoot: dictionary terms of law*, Tehtan: Ganje Danesh Publications. (In Persian)
- Harding, M. (2016). Fiduciary Understanding. In P. B. Miller and A. S. Gold (Ed.), *Contract, Status, And Fiduciary Law* (pp. 71-89), Oxford University Press.
- Harding, M. (2017). Disgorgement of Profit and Fiduciary Loyalty. In S. Degeling and J. NE. Varuhas, *Equitable Compensation And Disgorgement Of Profit*, (pp.19-40), Hart Publishing.
- Horne. C. (2015). The Avalon Project, Documentants in Law, History and Diplomacy. Retrieved 15 September 2024 from <https://avalon.law.yale.edu/ancient/hammint.asp>

- Johnston, D. *The Roman Law of Trusts*. Oxford: Clarendon Press.
- Katouzian, N. (2009). *Introductory Course in Civil Law: Lessons from Certain Contracts Volume 2*, Tehran: Ganje Danesh Publications. (In Persian)
- Kosfeld, M., Heinrichs, M., Zak, P., & Fischbacher U. (2005). Oxytocin increases trust in humans. *Nature*, 435 (7042), 673–676. <https://doi.org/10.1038/nature03701>
- Madoff, R. (1997). Unmasking undue Influence. *Minnesota Law Review*, 81(3). 571-630.
- Masteri Farahani, R., Ghorbani, A., Rezaeenejad, I. (2024). Features of the Rule on the Prevention of Conflict of Interest in Iranian Criminal Law; With Emphasis on the Islamic Penal Cod of 2013 and by a Comparative Approach, *journal of Research and Development in Comparative Law*, 7(24), 170-203. (In Persian)
- Miller, P. (2011). A Theory of Fiduciary Liability, *McGill Law Journal*, 56 (2), 236-288.
- Miller, P. (2013). Justifying Fiduciary Duties, *McGill Law Journal*, 58(4), 969-1023.
- Miller, P. (2014). 'The Fiduciary Relationship' in A Gold and P Miller (eds) *Philosophical Foundations of Fiduciary Law*, Oxford: Oxford University Press.
- Mohaghegh damad, S M. (2021). *Islamic Law, Shiites- Interpretation and Construction*, Tehran: Islamic Sciences Publishing Center. (In Persian)
- Moore, Colin. (2016). Obligations in the Shade: the application of fiduciary directors' duties to shadow directors, *Legal Studies*, 36(2), 326-353.
- Niazi, A & Badini, H. (2013). Examining the Responsibility of Akhez Bil-Soum (Taking for Bargaining) With a Comparative Perspective, *Comparative Law Researches*, 17(3), 135-157. (In Persian)
- Rebstein, L. (2011). Fencing Fiduciary Duties. *Boston University Law Review*. 91(3). 899-920.
- Rotman, L. (2005). *Fiduciary Law*. Toronto: Thomson Carswell.
- Rotman, L. (2011). Fiduciray Law's "Holy Grail": Reconciling Theory and Practice in Fiduciary Jurisprudence, *Boston University Law Review*, Vol. 91. 921-971.
- Rotman, L. (2017). Understanding Fiduciary Duties and Relationship Fiduciarity. *McGill Law Journal*, 62(4), 975-1042.

- Safai, H., Qasemzadeh, M. (2009). *Civil law persons and persons under legal incapacity*, Tehran. Samt Publication. (In Persian).
- Scholz, L. (2020). Fiduciary Boilerplate: Locating Fiduciary Relationships in Information Age Consumer Transactions, *The Journal of Corporation Law*, 46:1, 143-196.
- Scott, A. (1949). The Fiduciary Principle, *California Law Journal*, 37(4), 539-555.
- Sealy, L. (1963). Some Principles of Fiduciary Obligation. *Cambridge Law Journal*, 21 (1), 119-140.
- Seipp, D. (2011). Trust and Fiduciary Duty in the Early Common Law, *Boston University Law Review*, 91(3), 1011-1037.
- Shepherd, J. (1981). *The law of Fiduciaries*. Toronto: Carswell.
- Smith, G. (2002). The Critical Resource Theory of Fiduciary Duty, *Vanderbilt Law Review*, 55(-), 1399-1498.
- Sitkoff, R. (2014). 'An economic theory of fiduciary law' in A Gold and P Miller (eds) *Philosophical Foundations of Fiduciary Law*, Oxford: Oxford University Press.
- Usefzadeh, A., Rostami Asli, S., Saberi, M. (2019). Assignments of controlling shareholders in Managing business firms In Iranian and England law, *Comarative Law Review*, 10 (1), 363-386. (In Persian)
- Velasco, J. (2010). How Many Fiduciary Duties Are There in Corporate Law? *Southern California Law review*, 83(6), 1231-1318.
- VerSteeg, R. (1999). Early Mesopotamian Commercial Law , *University of Toledo Law Review*, 30 (2), 183-214.
- Vinter, E. (1955). *A Treatise on the History and Law of Fiduciary Relationship and Resulting Trusts*, 3rd ed. Cambridge: Heffer & Sons.
- Weinrib, E. (1975). The Fiduciary Obligation. *University of Toronto Law Journal*, 25(1), 1-22.